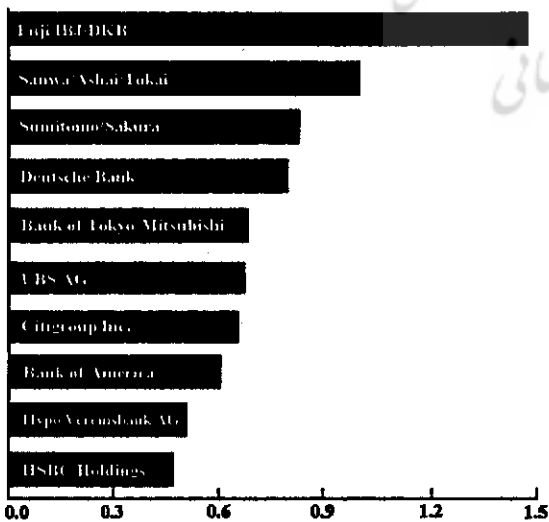


# دنیای جدید بانکداری\*

نویسندگان: Angel Ubide & Thomas J.T.Balino  
 مترجم: فریده تذهیبی



بزرگترین بانک‌های جهان بر اساس کل دارایی آنها  
 (تریلیون دلار در سال ۱۹۹۹)



دنیای مالی تحت تأثیر چهار عامل عمده به نحو اساسی در حال تغییر است: ادغام مؤسسات مالی، جهانی شدن عملیات، توسعه فن‌آوری‌های جدید و تعمیم و گسترده‌ی عملیات بانکداری. هر یک از این عوامل، نظارت مؤثر بخش مالی را به چالش می‌طلبند.

مؤسسات مالی در سراسر جهان با سرعت زیادی درهم ادغام می‌شوند، تعداد آنها رو به کاهش و متوسط حجم عملیات هر یک از آنها رو به افزایش است. کمتر هفته‌ای می‌گذرد که ادغام یا در اختیارگیری مؤسسه‌ای اعلام نشود. در حقیقت، در دو سال گذشته، شاهد ایجاد بزرگترین گروه‌های بانکی از طریق ادغام بوده‌ایم (به نمودار رجوع کنید). در آمریکا رفع محدودیت مربوط به ایجاد بانک‌ها در ایالات مختلف در سال ۱۹۹۴، موجی از ادغام بانک‌ها را بدنبال آورد. وحدت اروپا و به‌دنبال آن معرفی یورو در ژانویه ۱۹۹۹ نیز باعث ترغیب روند ادغام در اروپا شد و آن را شدت بخشید. در بسیاری از بازارهای درحال ظهور مثل آرژانتین، برزیل و کره نیز ترکیب و ادغام بانک‌ها کاملاً در جریان است، زیرا بانک‌ها در جستجوی راهی هستند که بتوانند کارایی و بازده بیشتری در بازار داشته و در مقابل شوک‌ها مقاوم‌تر باشند.

منابع: Fitch-IBCA و برآورد کارشناسان صندوق بین‌المللی پول

\* اصل این مقاله در مجله Finance & Development و ترجمه فارسی آن در مجله روند چاپ شده است.

الکترونیک برای فعالیت در بازار جهانی اینترنت امکان رشد مؤسسات غیربانکی (و احتمالاً تا حد زیادی بدون ضابطه) را ایجاد نموده که این مؤسسات هم به مردم تسهیلات می‌دهند و هم به جمع‌آوری منابع می‌پردازند. ارتباطات سریع مستلزم عکس‌العمل‌های سریع تر از جانب بازار و سیاستگذاران است، اما همین سرعت باعث می‌شود که اطلاعات به همان زودی هم قدیمی شوند.

آخرین عامل در تغییر و تحول بخش مالی، تعمیم و گسترش عملیات بانکداری است که به‌نحو روزافزونی مرز بین بانک‌ها و مؤسسات خدمات مالی را کمرنگ می‌کند. این روند هم‌اکنون در بعضی از کشورهای اروپایی کاملاً توسعه یافته است. به‌عنوان مثال، می‌توان ارایه خدمات بیمه را از طریق شعب بانک‌ها، پدیده‌ای که به‌عنوان Bankassurance شناخته شده، نام برد. همین روند منجر به تشکیل مجموعه‌های چند شرکتی که ارایه‌دهنده انواع خدمات مالی هستند، می‌شود. ادغام Citicorp با Travellers Group و همچنین، لغو قانون Glass-Steagall در سال ۱۹۹۹ تا حدی این روند غیرقابل تغییر را تأیید کرد (یادآوری می‌کند که این قانون درگیری بانک‌ها در خرید سهام را محدود می‌ساخت و به‌صورت مصنوعی بانک‌های سرمایه‌گذاری را از بانک‌های تجاری مجزا می‌کرد).

### □ منافع و مضار

مزایا و مشکلات چهار روند ذکر شده، موضوع مقالات زیاد و بحث‌های متعددی بوده است. از نظر مزایا، ادغام بانک‌ها و به‌دست آوردن بانک‌های دیگر در صورتی که با موفقیت انجام شود، منجر به صرفه‌جویی در هزینه‌ها و بالا رفتن سود می‌شود، به‌نحوی که هم سهامداران و هم مشتریان بانک از آن منتفع می‌شوند. جهانی شدن عملیات، تنوع سرمایه‌گذاری و کاهش ریسک بانک‌ها را تسهیل کرده و عملکرد هریک از اقتصادها را از طریق بهینه شدن تخصیص منابع بهبود می‌بخشد. اما از جهت نکات منفی، اگر ادغام بانک‌ها بیش از حد گسترده باشد، خطر سوءاستفاده از موقعیت ممتاز در یک بازار، و همچنین، پیروی اجباری از ملاحظات اخلاقی بروز می‌کند، مثل هنگامی که برای اعلام ورشکستگی یک مؤسسه مالی خیلی بزرگ تردیدهایی به‌وجود می‌آید. علاوه بر آن، درگیری شدید در یک بازار خارجی بدون آگاهی از شرایط اقتصاد محلی ممکن است آسیب‌پذیری بانک را افزایش دهد.

موضوع مهمی که تنها به تازگی در مورد عوامل مذکور مطرح شده است، اثرات ضمنی این عوامل بر سیاست‌های نظارتی احتیاطی و به‌عبارتی دیگر، بر توان مسؤلان مربوطه برای مقابله با ریسک‌های سیستماتیک ناشی از این عوامل چهارگانه است، به این صورت که:

اولاً، در چنین شرایطی، ریسک چگونه ارزیابی و اداره می‌شود؟ به کارگیری روزافزون ابزارهای مالی فرعی و اقلام زیر خط ترازنامه، همراه با تنوع عملیات در کشورهای مختلف و بخش‌های مختلف عملیات بانکی، روش‌های سنتی مدیریت ریسک را از کار افتاده و بی‌اثر کرده است؛ ثانیاً، بایک بانک دچار مشکل چگونه باید رفتار کرد؟ تجربه نشان داده است که بستن یک بانک بزرگ ممکن است باعث ایجاد پیامدهای سیستماتیکی بشود که بالقوه در اقتصاد واقعی اختلال ایجاد نماید. در این مورد، ادغام‌های بین‌المللی در بخش بانکی نکات ظریفی را دربر دارند، مثلاً به‌عنوان نمونه، برای تزریق نقدینگی یا کمک از بودجه عمومی به یک بانک

مرزهای بین کشورها مانعی در راه ادغام ایجاد نکرده‌اند. در شرایطی که در بسیاری از کشورهای صنعتی «قهرمانان ملی» قدرتمندی بوجود آمده‌اند، مؤسسات مالی برای رشد و افزایش سودآوری خود منتظر از بین رفتن فرصت‌ها در داخل کشور نشده و از مرزهای ملی عبور کرده‌اند. روند جهانی شدن تا حدود زیادی تحت تأثیر استفاده گروه‌های بانکی کشورهای صنعتی از رشد بالقوه بازارهای درحال ظهور قرار گرفته است، به‌نحوی که شاهد توسعه بانک‌های اسپانیایی در امریکای لاتین، بانک‌های آلمانی در اروپای شرقی و بانک‌های امریکایی در آسیای شرقی هستیم. ادغام فرامرزی با روند آهسته‌تری بین کشورهای صنعتی نیز اتفاق افتاده است. روند ادغام در کشورهای صنعتی بیشتر به‌صورت اتحاد استراتژیکی برای دستیابی به

○ روند جهانی شدن تا حدود زیادی تحت تأثیر استفاده گروه‌های بانکی کشورهای صنعتی از رشد بالقوه بازارهای درحال ظهور قرار گرفته است.

○ بسیاری از بانک‌ها عملیات از طریق شبکه (Online) خود را به بازارهای خارجی گسترش داده‌اند و بدین طریق، از تحمل زحمات و مخارج ناشی از تأسیس شعب در کشورهای خارج اجتناب ورزیده‌اند.

○ اگر ادغام بانک‌ها و به‌دست آوردن بانک‌های دیگر با موفقیت انجام شود، موجب کاهش هزینه‌ها و افزایش سود خواهد شد.

○ ناظران مالی برای پرهیز از خطرات ناشی از جهانی شدن بانکداری، بر موضوع شفافیت حساب‌ها و تقویت مقررات احتیاطی و روش‌های نظارتی بر بانک‌ها تأکید می‌ورزند.

منافع حاصل از تنوع بدون تحمل هزینه‌های مربوط به ادغام مؤسسات با فرهنگ‌های متفاوت می‌باشد.

توسعه فرآوری و به‌خصوص رشد چشمگیر بانکداری از طریق اینترنت و خدمات واسطه‌ای باعث شده است که جهانی شدن ورای ساختار مالکیت یک مجموعه مالی بزرگ پیش رود و به بازارهای خرد نیز برسد. در واقع، بسیاری از بانک‌ها عملیات از طریق شبکه (Online) خود را به بازارهای خارجی گسترش داده‌اند و بدین طریق، از تحمل زحمات و مخارج ایجاد ساختمان و شعب در کشورهای خارج اجتناب ورزیده‌اند. علاوه بر این، با ایجاد اتحاد و پیوستگی بین بانک‌های عمده و شرکت‌های مخابراتی، به نظر می‌رسد که در آینده رقابت در بازار بانکداری الکترونیک بسیار جدی و شدید خواهد بود. ظهور بانک‌های واقعی و توسعه پول

سرمایه به عنوان یک ابزار احتیاطی مؤثر می‌شود. کمیته بال راه‌حل‌های چندی را برای مقابله با این مسایل پیشنهاد کرده است. یکی از این پیشنهادها این است که الزامات کفایت سرمایه را بر اساس رتبه‌بندی وام‌گیرنده توسط مؤسسات مستقل رتبه‌بندی تعیین می‌کنند (Bucketing Approach). شق ثانی این امر آن است که بانک‌ها مجاز خواهند بود که مدل‌های ریسک داخلی خود را که برای ارزیابی ریسک بازار در دفاتر خود استفاده می‌کردند، به کار گیرند. البته هیچ یک از این مدل‌ها کاملاً رضایت‌بخش نیستند. مدل‌های ریسک اعتباری در مراحل اولیه پیشرفت قرار دارند و ممکن است برای ناظران مشکل باشد که کفایت مدل یک بانک و نحوه به کارگیری آن را ارزیابی کنند. وقتی از مؤسسات رتبه‌بندی استفاده می‌شود، ریسک اعتباری بنگاه‌های فاقد رتبه‌بندی چگونه ارزیابی می‌شود؟ مشکل دیگر این رتبه‌بندی‌ها آن است که برای تصمیم‌گیری در مورد کفایت سرمایه طراحی نشده‌اند و اتفاقاتی مانند بحران آسیا در سال ۱۹۹۷ نشان داد که مؤسسات رتبه‌بندی به سرعت از خوش‌بینی زیاد به سوی بدبینی بی‌نهایت می‌روند و همین امر در نحوه ارزیابی آنها منعکس می‌شود. علاوه بر این، مؤسسات رتبه‌بندی ممکن است هنگامی که نیازهای سرمایه‌ای مشتریان خود را ارزیابی می‌کنند، دچار تضاد منافع بین مشتری و بانک شوند.

موضوع دیگری که از نظر برقراری ضوابط نظارتی اهمیت دارد، پیچیدگی و جهانی بودن معاملات مالی و ایجاد مجموعه‌های عظیم مالی است که فعالیت آن‌ها در چندین کشور گسترش یافته است. در چنین شرایطی، ارزیابی مؤسسات ناظر داخلی از شرایط مالی این مؤسسات به تنهایی نتایج رضایت‌بخشی نخواهد داشت. مؤسسات و گروه‌های بین‌المللی (مانند صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، بانک تسویه‌های بین‌المللی و کمیته‌بال) با نشان دادن چالش‌هایی که جهانی شدن در راه ثبات بخش‌های مالی ایجاد می‌کند، از سازمان‌های ملی حمایت کرده و در مواردی کار آنها را تکمیل کرده‌اند.

مؤسسات و گروه‌های بین‌المللی برای رسیدن به هدف شفافیت، شروع به تهیه رهنمودهایی نموده‌اند که براساس آنها صورت‌های مالی تلفیق شده و هماهنگی بین‌المللی بیشتری در روش‌های حسابداری و استانداردهای حسابرسی برای انتشار اطلاعات به وجود آید. همچنین، مؤسسات بین‌المللی برای مشخص کردن و پرکردن فاصله‌های مقرراتی و ضوابط نظارتی کار می‌کنند تا بتوانند از ایجاد مسایلی مانند استفاده از مزایای مقررات ساده‌تر در یک حوزه قضایی یا به کارگیری نوع خاصی از مؤسسات برای فرار از رعایت ضوابط اجتناب کنند. پذیرش و کنترل تطبیق با استانداردهای بخشی از این کوشش است. صندوق بین‌المللی پول به نوبه خود، استاندارد انتشار آمار خاص، سیستم انتشار آمار عمومی و ضوابط عملکرد مناسب برای شفافیت مالی و سیاست‌های شفاف پولی و مالی را تهیه کرده است. صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی همراه با ارگان‌های تعیین استاندارد بین‌المللی و با همکاری سازمان‌های نظارتی ملی، شروع به ارزیابی ثبات بخش‌های مالی در کشورهای عضو که داوطلب شرکت در این بررسی شده‌اند، نموده‌اند. این اقدام هم‌اکنون در مرحله آزمایشی است. چارچوب بررسی فرایند ارزیابی ثبات مالی (Financial Stability Assessment Process-FSAP) ارتباط بین مؤسسات مختلف مالی و بازار را از یک طرف، و بین بخش مالی و شرایط کلان اقتصادی را از طرف دیگر در نظر می‌گیرد.

جهانی دچار مشکل، کجا را باید بازار مربوط به آن بانک محسوب داشت؟ آیا اگر بانکی در منطقه یورو، مثلاً ۲۵ درصد سپرده‌های ملی‌اش را در کشور مبدأ و فقط یک درصد آن را در منطقه یورو نگهداری کند، این امر موجب کاهش قدرت بانک و ثبات نظام می‌شود؟ و به این دلیل شایسته حمایت خاصی است؟ اگر دخالت بخش عمومی مناسب باشد، کدام ارگان باید آنرا انجام دهد؟ کنوانسیون‌های بین‌المللی که نظارت بر عملیات بین‌المللی بانک‌ها را پیش‌بینی کرده‌اند، آن را مسوولیت مقامات نظارتی کشور مبدأ می‌دانند. مثلاً در نظر بگیرید که بانکی در کشور A اقامت دارد و در کشور B به عملیات بانکی مشغول است، اما گرچه میزان عملیاتش در مقایسه با حجم فعالیت‌های بین‌المللی‌اش در کشور B قابل توجه نیست، ولی شرایط به گونه‌ای است که در کشور B یک بانک بزرگ و مسلط است. اگر ناگاهان این بانک ورشکسته شود، آیا نظار بانکی کشور A تخریب بالقوه عظیم فعالیت‌های بانکی در کشور B را که از تصفیه این بانک ناشی می‌شود، در نظر می‌گیرند؟ و تمایلی به حمایت مالی از آن که متضمن انتقال مالی قابل توجهی از کشور A و B است، دارند؟

بالاخره، توسعه روش‌های نوین مالی، سرمایه‌گذاری‌های جهانی و معرفی فن‌آوری جدید، موجب افزایش قابل ملاحظه‌ای در حوزه و سرعت انتشار مشکلات شده است، به این ترتیب که کمبود نقدینگی در یک بازار خاص به سرعت می‌تواند به بازار سرمایه جهانی گسترش یابد. مجدداً باید گفت که عکس‌العمل مقامات نظارتی ممکن است تحت تأثیر جهانی شدن قرار بگیرد، مثلاً آیا مداخله فدرال رزرو بانک نیویورک، برای تسهیل بسازسازی و جبهه پوششی مربوط به مدیریت مالی بلندمدت (Long-Term Capital Management's Hedge Fund) در شرایطی که این وجوه در کشورهای خارجی پراکنده باشند، به همان گونه‌ای صورت می‌گیرد که اگر به فرض وجوه مزبور عمدتاً در بازار امریکا تمرکز می‌یافت؟

## □ بیان خطرات ناشی از جهانی شدن بانکداری

درمقابل این چالش‌ها، ناظران مالی بر شفافیت و تقویت مقررات احتیاطی و روش نظارتی تأکید می‌ورزند، به طریقی که از خطرات جهانی شدن فزاینده بانکداری تصویر روشنی را به دست دهد. اولین قدم در راه کنترل ریسک، فشار درجهت شفافیت بیشتر بوده است، زیرا شفافیت حساب‌ها می‌تواند هم‌نظم و ترتیب بازار و هم نظارت را تسهیل کند، زیرا هم به بخش عمومی و هم به نظار بانکی اجازه می‌دهد که ریسک‌های مؤسسات مالی را بهتر ارزیابی کنند. اصلاح اساسی تر این است که نقایص توصیه‌نامه کمیته بال در مورد نظارت بانکی برای نسبت کفایت سرمایه را بیان نماییم. عدم انعطاف این توصیه‌ها همراه با ایجاد بازارهای جدید برای اعتبارات ناشی از ابزار مالی فرعی و رشد غیرقابل پیش‌بینی در عرضه وام‌ها و ایمن‌سازی، به مدیران بانک‌ها اجازه داده است که ریسک مالی خود را به‌نحو فعلی مدیریت نموده و به عملیات جابه‌جایی سرمایه (Regulatory Capital Arbitrage) دست بزنند. چنین عملیاتی، به بانک‌ها اجازه می‌دهد که معدل ریسک پرتفولیوی خود را به طریقی که نسبت کفایت سرمایه اندازه‌گیری می‌شود، کاهش دهند و حتی بدین ترتیب، میزان سرمایه لازم بر اساس توصیه‌های کمیته بال را پایین آورند، بدون این که متناسب با این کاهش در میزان ریسک‌های مؤثری که بانک با آن روبرو می‌شود، تنزل متناسبی را ایجاد نمایند. همه این عوامل منجر به کاهش نسبت کفایت

به طور کافی مبادله می‌شود. شایان ذکر است که کوشش‌هایی برای انجام هر دو مورد فوق در جریان است، مثلاً کمیته بال رهنمودهایی را برای شرکت در اطلاع‌رسانی عملیات فرامرزی انجام داده است، اما در این زمینه کارهای بیشتری لازم است که انجام شود. چالش دیگر این است که چگونه انگیزه لازم را برای اینکه همه خود را با ضوابط تطبیق دهند، فراهم کنیم. این موضوع مخصوصاً ممکن است در مورد مراکز بانکداری برون مرزی که بیشتر مبادلات مالی در آنها بین افراد غیرمقیم انجام می‌شود، بسیار پیچیده باشد.

همانطور که قبلاً گفتیم، جهانی شدن بانکداری مؤسسات را به سوی عملیاتی که سابقاً در حوزه فعالیت مؤسسات دیگری بود، رهنمون می‌سازد. علاوه بر این، پیچیده شدن رو به تزايد عملیات مالی باعث ارتباط نزدیک‌تر بین مؤسسات مالی مختلف شده است. همه این عوامل، برخورد فراگیر در مورد ارزیابی ریسک انواع گوناگون مؤسسات را لازم می‌نماید. بعضی از کشورها مثل کره و انگلستان با این امر به وسیله ادغام سازمان‌های نظارتی و تدوین قوانین مالی در یک مؤسسه برخورد کرده‌اند. دیگران هماهنگی بین نظار مختلف را بهبود بخشیده‌اند. لزوم ایجاد این حلقه ارتباطی در سطح بین‌المللی نیز پذیرفته شده است. به مجمع ثبات مالی (Financial Stability Found)، مجمعی که از نمایندگان مؤسسات مالی در سطح ملی و بین‌المللی در سال ۱۹۹۹ تشکیل شده است، تفویض اختیار گردیده که از طریق تبادل اطلاعات و همکاری بین‌المللی در نظارت مالی و بازرسی، ثبات مالی بین‌المللی را بهبود بخشد. این مجمع، در اجرای اختیارات خود کوشش می‌کند تا شکاف‌های مقرراتی را پیدا کند و برای از بین بردن آنها گام بردارد. همچنین، همان‌طور که در فوق گفته شد، اقدامات FSAP برخورد همه‌جانبه‌ای برای تشخیص نقاط آسیب‌پذیر در بخش مالی است که توسط مؤسسات مختلف تجربه می‌شوند.

جهانی شدن و ارتباط روزافزون بین واسطه‌های مالی برای تدابیر ایمنی بانک‌ها مثل بیمه سپرده‌ها و تریبیت‌های آخرین مرجع وام‌دهنده (Lender of Last Resort) مشکلاتی را ایجاد کرده است. کدامیک از مؤسسات و عملیات باید حمایت شوند؟ و چه کسی باید هزینه این تدابیر ایمنی را بپردازد؟ و چه موقع باید این تدابیر را به کار گرفت؟ پاسخ این سؤالات حتی در شرایط ساده‌تر که سیستم بانکی داخلی فقط با افراد مقیم در آن کشور ارتباط دارد، مشکل بوده است. بنابراین، در سیستم مالی جهانی شده پاسخ دادن بسیار دشوارتر است و وقتی که بانکداری از طریق اینترنت اعتبار مفاهیم مبتنی بر اقامتگاه (مثلاً اصول نظارت کشور اصلی) را کم رنگ می‌کند، وضع از این هم مشکل‌تر خواهد شد.

به طور خلاصه، بخش بانکی وارد دنیای جدیدی می‌شود که در آن مرزهای ملی و سازمانی کم‌اهمیت‌تر می‌شوند. سیستم‌های نظارتی و مقرراتی به نحو اجتناب‌ناپذیری باید روش کار خود را با این تحولات تطبیق دهند تا بتوانند مؤثر باقی بمانند. تأکید روزافزون روی مدیریت ریسک، تبادل اطلاعات و همکاری در سطح بین‌المللی نشانه‌ای از کوشش برای تطبیق با شرایط جدید است. با وجود این، بعضی از سؤالات مثل این که «کدام تصمیمات مشخص باید برای بانک‌هایی که درگیر مشکلات هستند، گرفته شود؟» را نمی‌توان به سادگی پاسخ داد. تطبیق چارچوب‌های مقرراتی و نظارتی با بازارهای به سرعت در حال تغییر مالی یک چالش دلهره‌آور خواهد ماند و همکاری بیشتری را بین نظار بانکی، بازارها و عاملان منفرد بازار ایجاد خواهد کرد.

سندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی برای شروع و راه‌اندازی فعالیت خود با موانع مهمی روبرو شده‌اند. مقررات معمولاً دارای ریشه و اساسی در قوانین ملی هستند که به سادگی نمی‌توان آنها را از یک کشور به کشور دیگر پیوند زد. همچنین، رفتارهای ملی در ارتباط با عملیات مالی و برای مؤسسات مالی در طی زمان توسعه یافته‌اند و تغییر آنها امری پرهزینه است. همان‌طور که قبلاً گفته شد، کوشش زیادی در جریان است که توافقنامه سال ۱۹۹۸ کمیته بال، که برای بانک‌های فعال بین‌المللی طراحی شده بود، مورد تجدیدنظر قرار گیرد. به هر حال، به مرور زمان، بانک‌ها و کشورهای بیشتری سعی کرده‌اند که الزامات توافقنامه بال را بپذیرند و این امر به عنوان راهی برای بهبود بخشیدن به شهرت بانکی تلقی می‌شود. این موضوع حتی بین بانک‌هایی که فعالیت بین‌المللی محدودی نیز دارند، صدق می‌کند.



▲ روند جهانی شدن بانک‌ها ایجاب می‌کند که همکاری بین‌المللی در زمینه نظارت و بازرسی مؤسسات مالی افزایش یابد.

همین امر دلیل دیگری بر جهانی شدن بازارهای مالی است، اما در عین حال این پرسش را نیز برمی‌انگیزد که چگونه می‌توان این الزامات را با حوزه وسیع‌تری از مؤسسات مالی تطبیق داد؟ به همین ترتیب، اصول نظارت مؤثر بانکی کمیته بال عامل مهمی برای حرکت به سوی اصلاح نحوه نظارت در سطح جهانی شده است.

### □ چالش‌های باقیمانده

علیرغم پیشرفت‌های زیاد، هنوز چالش‌هایی باقی مانده است، مثلاً برای این که الزامات کفایت سرمایه معنا داشته باشد، باید تعاریف به کار رفته در محاسبات همه کشورها یکسان باشد. همچنین، پیشرفت‌های بیشتری لازم است تا اطمینان حاصل نماییم که امکانات بین سازمان‌های نظارتی